



توراه اور • پاراشاها لך לך • مامار 3

ולא יקרא עוד שמך אברם והיה שמך אברהם...

دیگر نامت ابرام (ابرم) خوانده نخواهد شد



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/lech-lecha/3

1 ולא יקרא עוד שמך אברם והיה שמך אברהם כי אב המון גוים וכו'.

«نامت دیگر ابرام (**آبرم**) خوانده نخواهد شد؛ بلکه نامت ابراهام (**آبره‌ام**) خواهد بود، زیرا [نو را] پدر انبوهی از ملت‌ها قرار داده‌ام»، و غیره.

הענין כי הטעם למילה דכתיב אשר ברא אלקים לעשות לתקן שעדיין צריך תקון ע"י האדם כי הגם שכבר ברא אלקים את האדם לא בראו בשלימות

توضیح این است: علتِ ختنه [این است که] نوشته شده: «آنچه **ه'** آفرید تا بسازد»؛ [یعنی] تا کامل کند، زیرا هنوز به‌دستِ انسان نیازمندِ کامل‌شدن است. زیرا هرچند **ه'** انسان را آفریده است، او را کامل نیافرید.

וכדאיתא במדרש רבה (פ' בראשית פ' י"א) ששאל על המילה אם חביבה היא המילה למה נברא האדם ערל והיתה התשובה שכל מה שנברא בשימ"ב [בששת ימי בראשית] צריכים עשייה ותקון וכמו התורמסין שצריכין תיקון.

چنان‌که در میدراش ربا (**מדרש רבא**)، پاراشات برشیت، فصل ۱۱، آمده است: [کسی] دربارهٔ ختنه پرسید: «اگر ختنه چنین گرامی است، چرا انسان ختنه‌نشده آفریده شد؟» و پاسخ این بود که هرچه در شش روز آفرینش آفریده شد، نیازمند آن است که [بیشتر] ساخته و کامل شود؛ همان‌گونه که ترمس‌ها نیازمند آماده‌سازی‌اند.

וּלְהַבִּין הַמֶּשֶׁל אֵיךְ הוּא דּוֹמָה לַנִּמְשָׁל. הֵנָּה נֹדֵעַ מֵאֲמֵר הַמַּחֲדָּשׁ בְּטוֹבוֹ בְּכָל יוֹם תְּמִיד מֵעַ"ב [מַעֲשֵׂה בְרָאשִׁית]

و [باید] دریابیم که این تمثیل از چه جهت به آنچه برایش تمثیل آورده شده شباهت دارد. اکنون، این عبارت مشهور است: «آن‌که در نیکویی خویش، هر روز و پیوسته، کار آفرینش را نو می‌سازد.»

תמיד הוא החדוש יש מאין וענין התהוות יש וגשמי מאין ורוחני א"א להיות כך רק ע"י בחיני' [בחינת / בחינה] מ"ש והבדילה הפרוכת לכם בין הקודש כו'

«پیوسته» یعنی نوآفرینی چیزی از نیستی. پدیدآمدن چیزی محسوس و مادی از نیستی و امر روحانی نمی‌تواند چنین باشد، مگر از راه مرتبه‌ای که درباره‌اش نوشته شده است: «پرده میان قدس برای شما جدایی خواهد افکند»، و غیره.

כי בהמ"ק [בית המקדש] **שם היה מקור ההשפעה וגילוי השכינה בקדה"ק** [בקודש הקדשים] **ולהיות ההשפעה נמשך משם ולהלאה לא היה ע"י גילוי כל כך**

زیرا در **בית המקדש** (Beis HaMikdash)، آنجا در قدس‌الاقداَس، سرچشمهٔ جریانِ [فیض الهی] و آشکارگیِ حضورِ الهی (**שכינה**, Shechinah) بود. و برای آنکه جریان از آنجا به بعد کشیده شود، نمی‌توانست از راه آشکارگیِ ای به همان اندازه باشد،

**כי א"כ היה הכל אחד רק שנמשך ע"י מסך מבדיל והוא הפרוכת המבדיל בין קדה"ק [קודש הקדשים] ששם
הי' [היה] גילוי השכינה לבחי'**

זیرא דר آن صورت همه یکی می‌بودند. بلکه جریان از راه پرده‌ای جداکننده کشیده می‌شود: آن پرده، پرده‌ای است که میان
قدس‌الاقداص، جایی که آشکارگی **שכינה** بود، و مرتبة

**קדש ופרכת ת"א [תרגום אונקלוס] פרסא וכמה בחי' פרוכת הי' [היה] בבהמ"ק [בבית המקדש] ומשכן שכל
ההשתלשלות מעולם ועד עולם הוא ע"י מסך פרסא מפסיק בין כל עולם כו'.**

قدس جدا می‌کند. و ترجوم اונکلوس، «پَرُخت» (פרכת, paroches [پرده]) را «پَرسا» (פרסא, parsa [حائل جداکننده])
ترجمه می‌کند. و در **בית המקדש** و **משכן** (Mishkan [خیمه‌گاه]) چندین نوع پرده وجود داشت، زیرا سراسر زنجیره نزول
عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)، از عالمی به عالم دیگر، از راه پرده‌ای است؛ حائلی که میان هر عالم و عالم دیگر فاصله
می‌اندازد، و غیره.

2 **וזהו ענין המחדש בטובו שהתהוות מאין ליש הוא ע"י חדוש דהיינו ע"י מסך ופרסא נעשה אור חדש
אור של تولדה ואין זה ממהות אור הראשון וכשירד ומשתלשל נעשה עוד פרסא עד שנתהוה גשמיות
ממש:**

و این است معنای «آن‌که به نیکویی خویش تازه می‌گرداند»: پدیدآمدن از نیستی به هستی به واسطه نو شدن است. یعنی،
به واسطه پرده و جداکننده‌ای، نوری تازه پدید می‌آید؛ نوری زاده‌شده که از ماهیت نور نخستین نیست. و چون فرود می‌آید و
بیشتر سلسله‌وار نزول می‌کند، جداکننده‌ای دیگر پدید می‌آید، تا آن‌گاه که جسمانیّت واقعی پدیدار شود.

3 **אך יש כמה מיני מסכים המבדילין שיש עוד בחינה שאומרים במוצאי שבת המבדיל בין קדש לחול
اما چندین گونه پرده جداکننده وجود دارد. زیرا مرتبة دیگری نیز هست، [که درباره آن] در پایان شبات می‌گوییم: «آن‌که میان
مقدس و عادی جدایی می‌افکند.»**

**שהוא מסך מבדיל גמור ואינו דומה לפרסא שמפסיק בין הקודש לקדה"ק [לקודש הקדשים] שזהו דרך
השתלשלות אותו אור עצמו שנתגשם**

این پرده‌ای است که جدایی کامل می‌افکند و با آن حایلی که میان قدس و قدس‌الاقداص فاصله می‌اندازد تفاوت دارد؛ زیرا آن،
راه زنجیره نزول همان نور (השתלשלות, hishtalshelus) است، در حالی که آن نور مادی‌تر می‌شود،

**وغم لآآهر الفرسا هؤا قودش (وع"د شمبدیلین بم"ش لیو"ט [لיום טוב] המבדיל בין קדש לקדש) משא"כ
בין קדש לחול هؤا مسخ שמעלים ומסתیر האور עד שנעשה נפרד ממש**

و حتی پس از آن حایل نیز [آنچه در آن سوی آن است] مقدس است (همانگونه که در پایان شبّات، هنگامی که عید آغاز می‌شود، جدایی را چنین بیان می‌کنیم: «آن که میان مقدس و مقدس جدایی می‌افکند»). اما میان مقدس و عادی چنین نیست: آن پرده‌ای است که نور را می‌پوشاند و پنهان می‌کند تا آنچه در آن سوی آن است واقعاً به وجودی جداگانه بدل شود.

**כמו היכלות החיצונים המגביהים א"ע [את עצמן] לומר לי יאורי כו' אלא שואתה מחיה את כולם וקרו ליה
אלהא דאלהיא ואינן כופרים ממש**

مانند تالارهای بیرونی که خود را برمی‌کشند و می‌گویند: «رود من از آن من است» و جز آن؛ با این همه، «تو به همگان حیات می‌بخشی» و او را «**אלהא דאלהיא**» می‌خوانند و منکران صریح او نیستند.

**וזהו הודו לאלקי האלקי כל"ח [כי לעולם חסדו] שלעולם חסדו והשפעתו מעולם ועד עולם עד שהוא בבחי'
אלקי האלקים במקום ההעלם וההסתר והחושך ועל מסך מבדיל זה נאמר אלביש שמים קדרות וכו':**

و این است [معنای] «به **אלקי האלקים** سپاس گوید، زیرا مهر او **לעולם** (le'olam؛ تا ابد) است»: یعنی مهر و فیض او از عالمی به عالم دیگر می‌رسد، تا آنجا که در مرتبهٔ «**אלקים** معبودان» است، در جایگاه پوشیدگی و پنهانی و تاریکی. و دربارهٔ این پردهٔ جداکننده گفته شده است: «آسمان‌ها را به سیاهی می‌پوشانم» و جز آن.

4 והנה בבחי' חול זה יש ב' בחינות א' חול גמור היכלות דנוגה דקרו לי' אלקא דאלקיא כנ"ל.

اکنون، در این مرتبه از امر دنیوی، دو مرتبه وجود دارد. نخست: امر کاملاً دنیوی، یعنی تالارهای نُوگا (Nogah)، که او را «سرور معبودان» می‌خوانند، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

**הב' הוא בחי' חולין שנעשו על טהרת הקדש חולו של מועד דהיינו שנמשך הארה מקדושה בחי' בטול
גם בהחול וכמו ע"י שמירת שבת יש הארה בששת ימי החול מבחי' קדושת השבת.**

مرتبهٔ دوم، مرتبهٔ «چیزهای عادی‌ای است که با طهارتِ امورِ مقدّس آماده شده‌اند»؛ [مانند] روزهای عادیِ عید (חול هَموֹיד، **חול המועד**، chol hamoed). یعنی پرتوی از قداست، یعنی مرتبهٔ خودنفی‌گری (ביטول، **ביטול**، bittul)، حتی به امر دنیوی نیز کشانده می‌شود؛ همان‌گونه که با رعایتِ **שבת** (Shabbos)، در شش روز هفته پرتویی از مرتبهٔ قداستِ **שבת** وجود دارد:

ג' ימים הראשונים משבת שעברה וג' ימים אחרונים משבת הבא וזה נמשך לישראל בששת ימי המעשה מקדושת שבת להיות כל מעשיהם בחול

سه روز نخست، از **שבת** گذشته، و سه روز آخر، از **שבת** آینده است. و این امر از قداست **שבת**، در شش روز کار به قوم یهود کشانده می‌شود، تا همه کارهایشان در امر دنیوی، به شیوه

ע"ד חולין שנעשו עטה"ק [על טהרת הקודש] (וזהו ענין הבדלה במו"ש [במוצאי שבת] ברוך המבדיל כו' הברכה היא המשכה שיהיו החולין נעשי' [נעשית / נעשים] **עטה"ק** [על טהרת הקודש]) **וע"ז נאמר ששת ימים תעשה מעשיך וכו'**

«چیزهای عادی‌ای که با طهارتِ امورِ مقدّس آماده شده‌اند». (و این است معنای هَوْدَالَه (הבדלה, havdalah) در پایان **שבת**: «مبارک است ... آن‌که جدا می‌سازد» و غیره؛ این برکت، کشاندنِ قداست است تا چیزهای عادی با طهارتِ امورِ مقدّس آماده شوند.) و دربارهٔ این امر گفته شده است: «شش روز کار خود را انجام ده»، و غیره.

וצריך להיות ששת ימי המעשה דוקא ע"י ההעלם ומסך (המבדיל בין קדש לחול) שאל"כ [שאם לא כן] היה בטול ממש

و شش روز کار باید مشخصاً از راه پنهان‌بودن و پرده‌ای باشد (که میانِ امرِ مقدّس و امرِ دنیوی جدایی می‌افکند)، زیرا در غیر این صورت، خودنفی‌گری واقعی پدید می‌آید،

וכמו ענין תפלת שמו"ע [شמונה עשרה] **בהשתחווא' [בהשתחוואות] וכמו שא"א להרים יד לפני המלך כו' ומאן דמחוי במחוג קמי מלכא כו'.**

همان‌گونه که در دعای شמונה عسره (شמונה עשרה, Shemoneh Esreh) و خم‌شدن‌های آن؛ و همان‌گونه که نمی‌توان در برابر پادشاه دست بلند کرد، و غیره، و «آن‌که در حضور پادشاه با انگشت اشاره می‌کند»، و غیره.

ובאמת כתי' [כתיב] יגיע כפיך כי תאכל ע"י ל"ט מלאכות הזורע והחורש והקוצר כו' דהיינו שע"י המעשה ממשיך הוי"ה חדשה והתהוות דבר חדש להיות המחדש בטובו מעשה בראשית דוקא וזהו אשר ברא אלקים לעשות.

و در حقیقت، نوشته شده است: «از دسترنجِ دست‌هایت بخوری»، از راهِ سی‌ونه پیشه: کاشتن، شخم‌زدن، دروکردن، و غیره. یعنی به‌واسطهٔ عمل، هستی‌تازه‌ای به پایین کشانده می‌شود و چیزی نو به وجود می‌آید، تا به‌طور خاص «آن‌که با نیکویی خود آفرینش را نو می‌کند» تحقق یابد. و این [معنای] «آنچه **אלקים** آفرید تا ساخته شود» است.

תורמוסין צריכין תקון להפוך מרירו למיתקו להיות מי שטרח בע"ש [בערב שבת] יאכל בשבת שיתעלה הכל בבחי' שבת

תרמס'הא نیازمند اصلاح اند تا تلخی شان به شیرینی بدل شود؛ تا «آن که در آستانهٔ **שבת** زحمت کشیده است، در **שבת** بخورد»، و همه چیز به مرتبهٔ **שבת** ارتقا یابد.

כי שבת היא מנוחה בחי' בטול כמו שמו"ע [שמונה עשרה] **וא"א להיות כולו שבת כמו כולו שמו"ע** [שמונה עשרה] **רק תחלה להיות ימי החול כו'.**

زیرا روز آرامش، یعنی شبات (**שבת**, Shabbos)، مرتبهٔ خودنهی گری (**بیטול**, bittul) است، مانند نماز هجده برکتی (**شמונה עשרه**, Shemoneh Esreh)؛ و ممکن نیست همه اش شبات باشد، همان طور که [نمی تواند] همه اش نماز هجده برکتی باشد؛ بلکه نخست باید روزهای هفته باشند و غیره.

5 **ותקון זה הוא ג"כ בחי' המילה כי עד שלא נימול אברהם היה שמו אברהם اب הוא בחי' ראשית הגילוי יש מאין**

و این اصلاح نیز جنبهٔ ختنه است. زیرا تا پیش از آنکه ابراهیم (**آברהם**) ختنه شود، نامش ابرام (**آبرم**) بود. «پدر» (**آب**, Av) مرتبهٔ نخستین ظهور چیزی از هیچ است،

שהוא מקור ההשפעה נק' בשם اب והיה בבחי' רם על כל גוים כו' מפני שהיה ע"י מסך.

که چون سرچشمهٔ فیض است، به نام «پدر» خوانده می شود. و در مقام بلندمرتبگی (**رم**, ram) بود، «بر فراز همهٔ ملت ها»، و غیره، زیرا از راه پرده ای بود.

6 **וע"י המילה נק' אברהם اب המון גוים להוסיף התכללות ניצוצות כי להיות ההארה בגלוי גמור עד שיתקרב הניצוץ ליכלל תחת כנפי השכינה הוא ע"י המילה כי מילה אותיות מל י"ה הם חו"ב [חכמה ובינה].**

و به واسطهٔ ختنه (**مילה**, milah)، ابراهام (**آברהם**) نامیده شد: «پدر انبوهی از ملت ها»، تا بر گردآمدن جرعه ها بیفزاید. زیرا آشکارشدن کامل تابش، تا آنجا که جرعه نزدیک شود تا زیر بال های حضور الهی (**שכינה**, Shechinah) درآید، به واسطهٔ ختنه است. زیرا میله از حروف מל (**مل**, mal) [و یود-هی (**י"ה**, Yud-Hei) ساخته شده است؛ این دو همان حکمت (**חכמה**, Chochmah) و فهم (**בינה**, Binah) هستند.

ומל הוא ל' [לשון] התגלות כי מל מלשון ממללא שהדבור הוא המגלה את החכמה להיות החכמה יוצאת מכח אל הפועל ומההעל' אל הגילוי

و مل اصطلاحی برای آشکارشدن است، زیرا مل از واژه «سخن می‌گوید» (memalela, ממללא) گرفته شده است؛ چراکه سخن، حکمت را آشکار می‌کند، تا حکمت از قوه به فعل و از نهان به آشکار درآید.

ולכן לע"ל [לעתיד לבוא] דכתי' [דכתיב] אז אהפך אל עמים שפה ברורה כתי' [כתיב] וראו כל בשר יחדיו כי פי ה' דבר מחמת שיהי' [שיהיה] גילוי בחי' דבור התגלות אלקות החכמה:

و ازاین‌رو، درباره‌ی روزگار آینده که نوشته شده است: «آنگاه زبانی روشنی به ملت‌ها خواهم داد»، نوشته شده است: «و همه‌ی بشر با هم خواهند دید که دهان نام چهارحرفی (ה', Havayah) سخن گفته است»؛ زیرا مرتبه‌ی سخن آشکار خواهد شد: آشکارشدن الوهیت و آشکارشدن حکمت (Chochmah).

7 وگילוי זה למעלה הוא בבחי' חשמל עתים חשות דהיינו שלפעמים הוא בבחי' העלם סייג לחכמה שתתקן ועתים ממללות בחי' דבור וגילוי

و این تجلی در بالا در جنبه‌ی درخشش (حשמל, Chashmal) است: «گاه خاموش» (חשות, chashos)، یعنی گاهی در حالت نهفتگی است: «سکوت، حصار برای حکمت است»؛ و «گاه سخن‌گو» (ממללות, memalelos)، یعنی مرتبه‌ی گفتار و آشکارشدن.

וגם מל מלשון והוא יושב ממולי שהוא פי' נגדי כלומר דבר שנראה כאילו הוא לנוכח عینיו.

و نیز، מל از عبارت «و او روبه‌روی من سکونت دارد» (ממולי, mimuli) گرفته شده است؛ این عبارت به معنای «در برابر من» است، یعنی چیزی که چنان می‌نماید که گویی پیش چشم آدمی قرار دارد.

8 ולמטה באדם התחתון הנה כתיב נעשה אדם בצלמנו כדמותנו יש ג"כ מסך על אבר המשפיע שהוא בבחי' רם.

و در مرتبه‌ی پایین‌تر، در انسان فرودین (چنان‌که نوشته شده است: «آدمی را به صورت خود و همانند خویش بسازیم»)، بر اندام افاضه‌کننده نیز پرده‌ای هست، که در حالت «بلندمرتبه (ram, رם)» قرار دارد.

הנסתרות לה' אלקינו חו"ב [חכמה ובינה] והנגלות לנו ולבנינו שע"י המילה נעשה נגלות לנו ולבנינו שהגילוי אינו אלא בבחי' לבנינו שהוא בחי' הולדה כי

«نهانها از آن نام چهارحرفی (ה', Havayah), אלקינו است»: [اینها] حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah) هستند؛ و «آشکارها از آن ما و فرزندان ماست»: زیرا به واسطه ختنه، آنها «برای ما و فرزندان ما آشکار» می‌شوند؛ چراکه آشکارشدن تنها در جنبه (בחינה, bechinah) «برای فرزندان ما» است، که همان جنبه زادآوری است.

לכן כאשר נתוסף ה' באברהם מ"מ לא נעקר הרי"ש באברהם שעדיין הוא בחי' רם אלא שנתוסף בחי' ה' להיות בחי' רם זה בגילוי.

ازاین‌رو، هنگامی که حرف ה (hei) به ابراهیم (אברהם) افزوده شد، حرف ר (reish) بااین‌همه از ابراهیم کنده نشد؛ زیرا او همچنان در حالت «بلندمرتبه (רם, ram)» است. تنها مرتبه حرف ה افزوده شد تا این مرتبه «بلندمرتبه» آشکار شود.

והנה המילה היא גילוי (ופריעה היא גילוי יותר כמו ופרע את ראש האשה. שחיטה מפורעת כו').

و ختنه آشکارسازی است (و פריעה (peri'ah) [گشودن] آشکارسازی بیشتری است؛ چنان‌که آمده است: «سر زن را برهنه سازد»؛ «ذبحی بی‌پرده» و جز آن).

המסך המבדיל בין קדש לחול דישאל חולין שנעשו על טה"ק [טהרת הקודש] שהיא עיקר ההבדלה כי בשבעה הבדלות להבדיל בין הטמא כו' אין אנו אומרים לפי שא"צ [שاین צריך / שאינו צריך] כ"כ [כל כך] כי מאחר שמעבירים ההבדלה שבין קדש לחול כו':

پرده‌ای که میان مقدس و دنیوی جدایی می‌اندازد، در مورد اسرائیل، همان «امور دنیوی‌ای است که در طهارت امر مقدس آماده شده‌اند»؛ و این جدایی اصلی است. زیرا از میان هفت جدایی، نمی‌گوییم «برای جداکردن میان ناپاکان» و جز آن؛ چون چندان نیازی به آن نیست؛ چراکه وقتی جدایی میان مقدس و دنیوی را برمی‌دارند و جز آن:



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/lech-lecha/3/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک